

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

هفتم می 2013

بهاریه پوستین!!!

در زمستان های خیلی سرد و طاقتفرسای کابل عزیز در دوران ما، یکی از وسایل حفاظت بدن در برابر خنک، استعمال پوستین و پوستینچه بود که در خانواده ها رواج داشت. این صنعت در غزنی و بعدها در کابل نیز تهیه و متاع خوبی از صادرات وطن به خارج گردید. به یاد دارم که زمستان سال 1332 شمسی خیلی سرد و بازار استفاده از پوستین و پوستینچه گرم بود. با حلول بهار، روح تازه در جانها دمید و بازار پوستین کساد شد. من نیز شعری سرودم که در روزنامه انیس انتشار یافت و اینک بعد از شست سال همان سروده را برای زنده ساختن خاطرات طلائی آن دوران یکبار دیگر بدست نشر میسپارم:

آمد بهار، فرصت ادبار پوستین
در پوست می ننگجم ازین مژده و نوید
دلالت دهر شکوه به پا میکند که باز
مطرب چه خوش ز تار، نوا میکند بلند
بار دگر رسید بهار و خوشا که باز
گل میکند قبا به چمن، خنده میزند
پیوسته مژده میرسد از جانب چمن
گرم است بس که روی گل و لاله و سمن

افتاده شور و غلغله در شار پوستین
کاینک خراب گشته دگر کار پوستین
خورده شکست، رونق بازار پوستین
کز هم گسیخته است دگر تار پوستین
می افکنم ز شانه خود، بار پوستین
ای وا به دوستدار و خریدار پوستین
شد کاسته ز عزت و مقدار پوستین
باشد خنک به دیده ما، نار پوستین

دی رفت برف برشد و یخ پخ شد و نماند باری تو هم مباش طرفدار پوستین
ترسم «اسیر»، باز بیاید خنک به شهر
از خفته طالـــــع من و بیدار پوستین

(م. نسیم «اسیر» – کابل عزیز، 27 حوت 1332ش)